



سایه‌روشن‌های دوسالگی حکومت طالبان

دیبیح‌الله کابلی

در آستانهٔ ۲۴مرداد، دومین سالگرد فرار محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور سابق افغانستان، سقوط کابل و نظام جمهوری در این کشور و روی کار آمدن مجدد حاکمیت طالبان تحت نام «امارت اسلامی» با شعار «ل‌الله‌اللاّله، محمدرسول‌الله» در پرچمی به رنگ سفیدو قرانت‌ها و روایت‌های اسلامی منحصربه‌فرد این جریان در افغانستان هستنیم؛ تحول بنیادیی و اساسی‌ای که انتظار می‌رفت از یک سو با خروج کامل و البته غیرمسئولانه نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان و از سوی دیگر، سقوط نظام جمهوری در این کشور و فروپاشی ساختارهای اداری دولتی از جمله سیاسی، امنیتی، اجتماعی و به خصوص اقتصادی، افغانستان بار دیگر به سمت هرج و مرج، بی‌ثباتی و حتی جنگ‌های داخلی گام بردارد، اما نه تنها روند تحولات به این سو پیش نرفت، بلکه حکومت طالبان در طول دو سال گذشته، ساختارهای امنیتی، سیاسی و به خصوص اقتصادی و اجتماعی در حال فروپاشی را بدون هیچ گونه وابستگی به حمایت‌ها و کمک‌های مالی امریکا و ناتو سرا پا نگه داشت. هر چند در این دو سال، طالبان در زمینه مسائل حقوق بشری، به خصوص حقوق زنان و نوع نظام وویکر دو سیاسی بار دیگر نشان دادند تغییری فاحش در نوع نگاه و رویکردشان نسبت به دوره قبل در دههٔ ۷۰ه و وجود نیامده است. ناراضیاتی همسایگان نیز از رویکرد طالبان در حال افزایش بوده‌است، از این رو دستاوردها و موفقیت و در عین حال ناکامی و مقب‌گرد، دوروی سکه عملکرد حکومت سر پرست طالبان در دو سال گذشته است.

روشن‌ها

■ **برچیده شدن حضور نیروهای امریکایی و ناتو**

پس از دو سال، شاید این دستاورد بزرگ در بسیاری از تحلیل‌ها بررسی‌ها رنگ باخته باشد که شاهد خروج مفضّحانه هزاران نیروی امریکایی و ناتو از افغانستان و جمع شدن گلیم پایگاه‌های عریض و طویل آنها در جای جای افغانستان بودیم. بار برچیده شدن پایگاه‌ها و حضور نظامی امریکا و ناتو، کشورهای منطقه توانستند از زیر رصدهای جاسوسی آنها کمی نفس راحت بکشند، البته اگر برخی کشورهای همسایه، خصوص پاکستان همچنان اجازه استفاده از حریم هوایی خود برای ورود پهپادهای امریکایی به حریم هوایی افغانستان را ندهند. در حوزه روابط طالبان و امریکا، عدم حمایت‌های لازم به خصوص در بعد مالی و به رسمیت شناخته‌نشدن این حکومت از سوی قدرت‌های منطقه سبب شده است طالبان همچنان برای عبور از چالش‌ها و مشکلاتی که فرا راه آن قرار دارد، گوشه‌چشمی به سمت امریکا داشته باشد و امریکا هم با طالبان بازی کند.

■ **تأمین ثبات سیاسی و امنیتی**
هر چند انتقادهای زیادی در مورد شکل نگرفتن حکومت «همه‌شمول» سیاسی از سوی جامعه جهانی مطرح است، اما به هر حال طالبان در فضای بی‌ثبات سیاسی، امنیتی و اقتصادی پس از سقوط نظام جمهوری، توانست یک ثبات نسبی به خصوص در سطح سیاسی و امنیتی به وجود بیاورد و حداقل به صورت نمایشی و سمبلیک، ساختار نظام سیاسی و حکومتی را حفظ کند. وجود داشته و دارد، اما به نظر می‌رسد طالبان بین دو گزینه ثبات و اقتدار داخلی و مشروعیت بین‌المللی، گزینه اول را انتخاب کرد و در شرایطی که نشانه‌های زیادی از اختلاف نظر بین رهبران، گروه‌ها و تیره و تبارهای قومی وابسته به طالبان پیرامون توزیع قدرت وجود داشت، اسأ در نهایت رهبر طالبان توانست با توزیع بیست‌ها و مقام‌های کلیدی حکومت از کابینه گرفته

■ **تحلیل**

سرت گرفتن دومینوی دلارزدایی

دلالی می‌رسد. مقام‌های برزیل و چین گفته‌اند از این به بعد مبادلات ارزی میان دو کشور یا از طریق بانک صنعتی و تجاری چین یا بانک ارتباطات برزیل انجام خواهد شد. مسلمانا خبر حذف دلار از مبادلات تجاری این دو کشور ضربه‌ای مهم به جایگاه دلار در نظام مالی جهانی و نیز موقعیت ایالات‌متحده در امریکای لاتین محسوب می‌شود. اقدامات اخیر چین در راستای دلارزدایی از مبادلات تجاری خود در چند سال اخیر همواره رو به گسترش بوده است. چین موفق شده است در مبادلات ارزی با برخی کشورها مانند روسیه، عربستان سعودی و پاکستان، به توافقی مشابه دست یابد. پس از سفر رئیس‌جمهور چین به عربستان در دسامبر ۲۰۲۲، دو کشور به توافق رسیدند مبادلات نفتی را با یوان چین انجام دهند. با توجه به انعقاد چند قرارداد نفتی بزرگ میان چین و عربستان سعودی، ناظران اقتصادی و سیاسی معتقدند یکی از تأثیرات این امر، تضعیف هر چه بیشتر جایگاه دلار در تجارت بین‌المللی و کاهش نفوذ سیاسی امریکا در غرب آسیاست؛ تأثیری که اکنون پس از توافق چین با برزیل می‌تواند به نفوذ سیاسی و سیطه اقتصادی ایالات‌متحده در امریکای لاتین نیز ضربه وارد کند.



د

به رغم انتقادهای زیاد در مورد شکل نگرفتن حکومت «همه‌شمول» اما به هر حال طالبان در فضای بی‌ثبات سیاسی، امنیتی و اقتصادی پس از سقوط نظام جمهوری توانست نوعی ثبات نسبی به خصوص در سطح سیاسی و امنیتی به وجود بیاورد و حداقل به صورت نمایشی و سمبلیک، ساختار نظام سیاسی و حکومتی را حفظ کند



سایه‌ها

اما در برابر اینها، ضعف‌ها و چالش‌هایی جدی نیز در مورد عملکرد حکومت سرپرست امارت اسلامی در افغانستان وجود دارد.

■ **عدم تشکیل دولت فراگیر**

تشکیل یک دولت فراگیر حداقل در طول چهار سال گذشته (دو سال مذاکرات تا توافق دوحه + دو سال حاکمیت طالبان) همواره یکی از محوریت‌ترین خواسته‌های مردم و جریان‌های سیاسی داخل این کشور و از سوی دیگر، جامعه جهانی از طالبان بوده است. در این زمینه، متأسفانه فرار محمد اشرف غنی و سقوط نظام جمهوری همه معادلات را به هم ریخت و طرح ایجاد دولت گذار و فراگیری که قرار بود با حضور طالبان و سایر جریان‌های سیاسی تشکیل شود، سوخت و در نهایت با ورود نیروهای نظامی طالبان به داخل کابل، قدرت سیاسی به صورت مطلق در اختیار آنها قرار گرفت. بعد از این تحولات هم مذاکرات بین‌الافغانی بین طالبان و سایر جریان‌های سیاسی نیز عملاً لغو شد.

در طول دو سال گذشته جامعه جهانی بارها بر تشکیل یک دولت فراگیر سیاسی و قومی در افغانستان تأکید کرده، اما طالبان این درخواست‌های کشورهای مختلف را مداخله در امور داخلی افغانستان خوانده و به شدت به آن واکنش نشان داده و با اشاره به حضور برخی چهره‌های ازبک، تاجیک و هزاره در ساختار حکومت سرپرست، حکومت کنونی را فراگیر خوانده‌اند، اما در خوشبینانه‌ترین حالت، این حکومت، یک حکومت فراگیر درون طالبانی است.

■ **سختگیری‌ها علیه دختران و زنان**

در حالی که طالبان قبل از به قدرت رسیدن بارها تأکید کرده بودند نسبت به دوره حکومت گذشته خود تغییر کرده‌اند و حقوق زنان را به رسمیت می‌شناسند، اما رهبر طالبان با صدور فرمان‌های مختلف در مورد آموزش و کار دختران و زنان، بار دیگر نشان داد رویکرد این جریان نسبت به زنان هیچ تغییری نکرده است.

طالبان در طول دو سال گذشته، با ممنوعیت آموزش دختران بالاتر از کلاس ششم و همچنین دانشگاه و اشتغال زنان بر خلاف موازین و ارزش‌های والای انسانی و اسلامی، مقررات بسیار سختگیرانه‌ای وضع و زنان را در درون خانه‌ها زندانی کرده است. متأسفانه با وجود اختلافات داخلی بین سران طالبان در این مورد و درخواست‌های گسترده جهانی، هنوز هیچ تغییری در رویکرد رهبر آنها در حوزه آموزش و کار زنان به وجود نیامده است.

■ **محدودیت اقلیت‌های قومی و مذهبی**

محرم امسال نشان داد طالبان پس از دو سال که تا اندازهای وجهه نسبتاً خوبی نزد شیعیان، به لحاظ آزادی‌های مذهبی خود به دست آورده بودند، سیاست محدودسازی فعالیت اقلیت‌های قومی و مذهبی، به خصوص شیعیان را بر اساس یک برنامه همه‌جانبه دنبال می‌کنند، به همین خاطر شاهد بر خورد‌های مختلفی بوده‌ایم.

از سوی دیگر، طالبان هنوز به عمده‌ترین مطالبات جامعه شیعه به خصوص تداوم رسمیت مذهب تشیع، ایجاد توازن قدرت در ساختار حکومت با حضور شیعیان و همچنین عملی شدن قانون احوال شخصیه اهل تشیع از جمله آموزش فقه شیعه در مدارس و دانشگاه‌ها و ایجاد محاکم اختصاصی شیعیان پاسخ مثبت نداده است.

در کنار این رویکردهای محدودساز قومی و مذهبی، طالبان در طول دو سال گذشته اقدامات زیادی را علیه زبان فارسی و نشانه‌ها و نمادهای آن انجام داده، موسیقی و هنر را حذف کرده، تقویم رسمی را از هجری به قمری تغییر داده و محدودیت‌های زیادی را علیه رسانه‌ها و جریان آزادی بیان و رسانه، حتی علیه رسانه‌های دینی وضع کرده است.

■ **سیاست خارجی نامتوازن، چشم‌امید به امریکا**

در طول دو سال گذشته، با وجود اینکه طالبان همواره تأکید کرده بودند اجازه نمی‌دهند از خاک افغانستان علیه همسایگان استفاده کنند، اما نگرانی‌های امنیتی به خصوص همسایگان از عملکرد طالبان، به ویژه در مورد حضور برخی ناراضیان و گروه‌های تروریستی وابسته به کشورهای همسایه در داخل افغانستان در حال افزایش بوده‌است. نمونه بارز این مسئله، ناراضیاتی‌های شدید پاکستان از حضور طالبان پاکستانی در داخل افغانستان است.

از سوی دیگر، شاهد درگیری‌های مرزی متعددی بین نیروهای مرزی طالبان با مرزبانان همسایه، عمدتاً ایران و پاکستان بوده‌ایم که بخش عمده‌ای از این درگیری‌ها، ناشی از نگاه نادرست فرماندهان و نیروهای مرزی طالبان نسبت به این دو همسایه و حساسیت‌های ناپا، برخلاف مقررات و معاهدات مرزی بین دو طرف بوده است. مثال بارز دیگر در مورد ایران، عدم برداخت یا کارشکنی در پرداخت حقابه از رودخانه هیرمند است که در نهایت با اعتراض شدید و هشدار مقام‌های دو دولت به خصوص ریاست جمهوری ایران مواجه شد. در این زمینه، از یک سو طالبان در پرداخت حقابه کارشکنی کرده و صدهازار مترمکعب آب را به جای ایران، به سمت مسیر احترافی و شوره‌زار هدایت کردند و از سوی دیگر، به دنبال افزایش انتقاده‌ها، جلوی سرازیر شدن آب از سد کجکی به سمت سد کمال خان و برداخت حقابه ایران را گرفتند. در این بین، به رغم اعلام پایبندی ظاهری طالبان به معاهده حقیله ۱۳۵۱، آنها حاضر به قبول راستی‌زمایی ادعاهای خود نبوده‌اند. شواهد نشان می‌دهد نفع نگاه طالبان به ایران و گسترش روابط بین دو کشور به خصوص در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی همچنان متأثر از نوع نگاه امریکایی است، به گونه‌ای که از یک‌سو طالبان علاقه‌ای به گسترش روابط سیاسی و نظامی با ایران نشان نمی‌دهند و از سوی دیگر در بعد اقتصادی نیز به رغم اعلام آمادگی سرمایه‌گذاران ایرانی برای سرمایه‌گذاری در افغانستان، به خصوص در حوزه معادن، محدودیت‌هایی وجود دارد. با روی کار آمدن طالبان، حجم تجارت بین افغانستان و ایران نیز شاهد کاهش قابل ملاحظه‌ای بوده است. این حالی است که در سوی دیگر، طالبان با وجود +۲۰سال جنگ خونین با امریکا و دولت امریکایی افغانستان، اکنون با یک رویکرد کاملاً متفاوت، چشم‌امید برای دستیابی به توافق با امریکا دارد. در این زمینه مذاکرات پیدا و پنهان متعددی به خصوص در سطح امنیتی و نظامی و همچنین سیاست خارجی با مقام‌های ارشد امریکایی و اروپایی در دوحه برگزار شده، در حالی که رویکرد واقعی امریکا و غرب، افزایش تحریم‌ها علیه طالبان بوده است.

■ **افزایش اختلافات سیاسی و قومی در بین طالبان**

یکی از واقعیت‌های دیگر موجود در رویکرد طالبان از یک‌سو افزایش اختلاف‌های عمیق سیاسی میان سران این جریان، از سراج‌الدین حقانی گرفته تا مولوی محمد یعقوب مجاهد، پسر ملامحمد عمر، بنیانگذار طالبان تا ملا عبدالغنی برادر، معاون اقتصادی نخست‌وزیر طالبان است. در روی دیگر سکه، نوع رویکرد طالبان پشتون و بیگانه دانستن سایر گروه‌های قومی طالبان به خصوص در بین تاجیک‌ها و ازبک‌ها، سبب افزایش بی‌اعتمادی و ناراضیاتی بین طالبان غیرپشتون و پشتون شده است که در تحولات اخیر ولایت بدخشان در مورد طالبان تاجیک و سال قبل در مورد طالبان ازبک در ولایت فاریاب به وضوح قابل مشاهد است.

■ **جمع‌بندی**

با توجه به سایه‌روشن‌هایی از حکومت دو سال گذشته نوع رویکرد محدودکننده حکومت طالبان و رهبری آن، در سه سطح اقتصادی خود را افرا ه آن متصور نیست، از یکسو افزایش ناراضیاتی‌ها در مردمی در خدالت این کشور، افزایش ناراضیاتی‌ها در سطح کشورهای همسایه و منطقه، بروسه به رسمیت شناختن حکومت طالبان را عملاً غیرممکن خواهد ساخت و از سوی دیگر افزایش ناراضیاتی‌های داخلی در بین صفوف طالبان حتی می‌تواند در آینده زمینه‌ساز بر افتشباع در این گروه شود. یک نگرانی جدی در این زمینه، سربازگیری روزافزون گروه تروریستی دانش از بین ناراضیان طالب و غیر طالب خواهد بود، به همین دلیل رهبری طالبان با یک واقع‌بینی باید به فکر تحول عمیق در رویکرد خود باشد، در غیر این صورت، ادامه حکمرانی در افغانستان در آینده با چالش‌های روزافزونی مواجه خواهد شد.

در راستای اعمال فشار بر دیگر کشورها و نیز تحریم‌های فزاینده‌ای که ایالات‌متحده علیه کشورهای رقیب و متخلف خود اعمال می‌کند، به استفاده از ارز‌های ملی برای تبادلات مالی و تجاری روی آورده‌اند. با توجه به تحریم‌های گسترده بین‌المللی و مبادلات تجاری و جایگزینی ارز‌های ملی منطقه‌ای هستند. در سطح کشورها، اقدامات دلارزدایی برای اولین بار توسط روسیه، چین و کشورهای امریکای لاتین در پی بحران مالی جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۷ آغاز شد که این مسئله سبب بروز نوسانات بسیار شدید در دلار امریکا شد. پیش از آن، بانک مرکزی امریکا (فدرال‌رزرو) نرخ وجوه فدرال را از ۵/۵درصـد در می ۲۰۰۰ به یک‌درصد در ژوئن ۲۰۰۳ کاهش داد. در نتیجه این تصمیم، اثر دومینوی زنجیـر مالی ایالات‌متحده به سایر نقاط جهان سرایت کرد، بنابراین می‌توان گفت روند تضعیف نفوذ دلار نخستین بار در امریکا آغاز شد.
همچنین با توجه به اینکه اکنون بخش اعظم تجارت جهانی با دلار انجام می‌شود، واشنگتن از این امر به منزله اهرم فشاری برای اعمال ضربه به کشورهای رقیب و دشمن خود استفاده می‌کند. در واقع استفاده ابرازی امریکا از دلار همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین انتقاده‌ها به نظام پولی بین‌المللی کنونی مطرح بوده‌است. با وجود اینکه هنوز هم دلار بزرگ‌ترین ارز ذخیره جهان محسوب می‌شود، اما استفاده امریکا از آن به عنوان یک سلاح مالی، باعث تسریع حرکت بسیاری از کشورهای برای تنوع بخشیدن به سرمایه‌گذاری‌ها در ارز‌های جایگزین شده است. طبق آمارهای صندوق بین‌المللی پول، از ابتدای سال ۲۰۰۰ میلادی تا پایان سال ۲۰۲۰، سهم دلار از ذخایر ارزی کشورهای مختلف با کاهش تقریباً ۱۳درصدی روبه‌رو شده است. اکنون برخی کشورها با توجه به استفاده ابرازی واشنگتن از دلار

■ **روند دلارزدایی**
روند دلارزدایی در جهان که ایده آن از سال۲۰۰۷ کلید خورد، شتاب فزاینده‌ای گرفته است و تعداد زیادی از کشورها در صدد حذف این ارز امریکایی در تسویه‌حساب‌های بین‌المللی و مبادلات تجاری و جایگزینی ارز‌های ملی منطقه‌ای هستند. در سطح کشورها، اقدامات دلارزدایی برای اولین بار توسط روسیه، چین و کشورهای امریکای لاتین در پی بحران مالی جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۷ آغاز شد که این مسئله سبب بروز نوسانات بسیار شدید در دلار امریکا شد. پیش از آن، بانک مرکزی امریکا (فدرال‌رزرو) نرخ وجوه فدرال را از ۵/۵درصـد در می ۲۰۰۰ به یک‌درصد در ژوئن ۲۰۰۳ کاهش داد. در نتیجه این تصمیم، اثر دومینوی زنجیـر مالی ایالات‌متحده به سایر نقاط جهان سرایت کرد، بنابراین می‌توان گفت روند تضعیف نفوذ دلار نخستین بار در امریکا آغاز شد.

همچنین با توجه به اینکه اکنون بخش اعظم تجارت جهانی با دلار انجام می‌شود، واشنگتن از این امر به منزله اهرم فشاری برای اعمال ضربه به کشورهای رقیب و دشمن خود استفاده می‌کند. در واقع استفاده ابرازی امریکا از دلار همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین انتقاده‌ها به نظام پولی بین‌المللی کنونی مطرح بوده‌است. با وجود اینکه هنوز هم دلار بزرگ‌ترین ارز ذخیره جهان محسوب می‌شود، اما استفاده امریکا از آن به عنوان یک سلاح مالی، باعث تسریع حرکت بسیاری از کشورهای برای تنوع بخشیدن به سرمایه‌گذاری‌ها در ارز‌های جایگزین شده است. طبق آمارهای صندوق بین‌المللی پول، از ابتدای سال ۲۰۰۰ میلادی تا پایان سال ۲۰۲۰، سهم دلار از ذخایر ارزی کشورهای مختلف با کاهش تقریباً ۱۳درصدی روبه‌رو شده است. اکنون برخی کشورها با توجه به استفاده ابرازی واشنگتن از دلار

د

استفاده امریکا از دلار به عنوان یک سلاح مالی، باعث تسریع حرکت کشورها برای تنوع بخشیدن به سرمایه‌گذاری‌ها در ارز‌های جایگزین شده و طبق آمارهای صندوق بین‌المللی پول از ابتدای سال ۲۰۰۰ میلادی تا پایان سال ۲۰۲۰، سهم دلار از ذخایر ارزی کشورهای مختلف تقریباً ۱۳درصدی روبه‌رو شده است

